

A Guantanamo detainee's perspective



مشاهدات عینی یک زندانی گوانتانامو^۱

سامی الهاج^۲

سامی الهاج به عنوان عکاس شبکه تلویزیونی الجزیره مشغول به فعالیت بود که بازداشت و شش سال در گوانتانامو محبوس شد. او در سال 2008 آزاد شد و در حال حاضر مدیر بخش حقوق بشر و آزادی‌های عمومی در شبکه الجزیره است.

سرگذشت من از کمیته بین‌المللی صلیب سرخ سرگذشتی استثنائی نیست. این ماجرا کم و بیش بازتابی از وضعیت تمام کسانی است که زجر کشیده و در اعماق گوانتانامو یا زندان‌های تاریک بی‌عدالتی پوسیدند. به هر حال امیدوارم با تعریف این داستان و روشن نمودن برخی نکات و ارائه پیشنهادهای چند، بتوانم در ارتقای خدمات بشردوستانه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و روابطش با زندانیان مؤثر باشم.

شرح داستان این سازمان معتبر و نقش آن در مبارزه علیه رنج قربانیان جنگ، شکنجه و حبس شناخته شده‌تر از آن است که نیاز به معرفی داشته باشد. از نظر من، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ زمانی متولد شد که من در صدد شناخت آن بر آمدم و او نیز در صدد شناخت من. یعنی درست زمانی که پس از مدت‌ها انکار، به دلیل عدم آگاهی از نحوه کارش، بالاخره آن را پذیرفتم. مادامی که نظام ارزش‌هایش را به من هدیه داد، چیزی که تا پیش از آن از درک آن عاجز بودم.

ماجرای من در ژانویه 2002 با کاغذی سفید آغاز شد که عضو تیم تحقیق آمریکایی به من داد و از من خواست تا برای خانواده‌ام نامه ای بنویسم و آدرس آن‌ها را به طور دقیق مشخص نمایم. به این درخواست بدگمان بودم چون فکر می‌کردم این کار بخشی از بازجویی است. من و هم سلولی‌هایم برای بار دوم در آن سال بود که پس از اولین ملاقاتمان با نمایندگان کمیته در زندان قندهار که از چگونگی بازداشت و حبس از ما پرس و جو کرده بودند، دچار احساس بی‌اعتمادی مشترک شدیم. اولین تلقی مثبت ما از کمیته، به بعد از عید قربان بر می‌گردد که نسخه‌هایی از قرآن کریم را برایمان در زندان قندهار آوردند. کمیته همچنین ظرف‌هایی از گوشت قربانی

¹ برگردان به فارسی: مهسا سلمان نوری

² Sami El-hajj

گوسفند برایمان آورد که تأثیر بسیار مثبتی بر ما داشت؛ کسی در آن ایام عید به یاد ما بود و تا حدی محرومیت ما از آن فرصت بزرگ را جبران می‌کرد!

در سپتامبر 2002 اولین نامه را از طریق صلیب سرخ قطر از طرف خانواده‌ام دریافت کردم که عکس پسر خردسالم محمد نیز همراه آن بود. زمانی که تازه داشت به حرف می‌آمد او را ترک کردم. حس دلگرمی توأم با اندوه به من دست داد. طوری که نخستین واکنش، ریختن اشک بود. با دیدن این صحنه تمام دوستان سلول‌های بغلی نیز شروع به اشک ریختن کردند چون فکر می‌کردند حادثه‌ی بدی برای خانواده‌ام رخ داده است. این ماجرا بیش از یک ساعت طول کشید. در تمام این مدت قادر نبودم موقعیتم را توضیح دهم یا آنچه در نامه بود برایشان بخوانم. ماجرای ساده من با آن عکس، بیشترین تأثیر را بر من و سایرین گذاشت.

سپس تبادل نامه بین من و خانواده‌ام به طور مرتب ادامه داشت و اعتمادم به کمیته و نقش آن، با رسیدن اولین نماینده عرب از مغرب بیشتر شد و هنگامی که فهمیدم او حافظ قرآن است این اعتماد باز هم افزایش یافت. هدف از شرح این ماجرا جلب کردن توجهات به این گمان و تلقی زندانی‌هاست که سازمانی با نماد صلیب، باید سازمانی مسیحی باشد. اما این که نماینده سازمان فردی مسلمان و حافظ قرآن باشد ذهنیت‌های منفی و پیش‌داوری‌های ما را نسبت به این سازمان که تا پیش از آن در کشورهای خویش سروکاری با آن نداشتیم، از بین برد.

سپس نماینده عرب دیگری جایگزین او شد که تأثیر بسیار مثبتی بر دید ما نسبت به کمیته داشت به نحوی که با حضور آن‌ها احساس راحتی و اعتماد به ما دست می‌داد چون آن‌ها هم وطن عرب ما بودند و بهتر می‌توانستیم با آن‌ها ارتباط برقرار کنیم. کمی بعد حتی قادر بودیم حرکات چهره آن‌ها را نیز بفهمیم، چهره‌ای که از آن احساسات یکسانی برداشت می‌کردیم و مهربانی‌ای که به دلیل اشتراکات فرهنگی برایمان آشنا بود. بعدها کمیته متخصصین و پزشکانی نزدمان فرستاد. دسترسی به خدمات پزشکی موجب تسلی خاطر ما بود و این حس با حضور حقوقدانانی که به سؤالات ما پاسخ می‌دادند، تقویت شد. تجهیز کتابخانه بهترین استقبال از ما بود به نحوی که کمیته حدود 10000 کتاب، از کتب اصلی مرجع اسلامی گرفته تا مجراهای پلیسی برایمان فراهم کرد. توانستیم از این منبع دانش بهره مند شده و برای زمان بین طلوع آفتاب تا نماز مغرب، برنامه ریزی کنیم. در طی این جلسات شبانه یکی از ما کتابی را می‌خواند و برای دیگران خلاصه می‌کرد. ما برای کسانی که سواد خواندن نداشتند، کتاب می‌خواندیم و برخی از آن‌ها حتی شروع به آموختن زبان عربی کردند. مهم‌تر از همه آن که با خواندن و به کار انداختن ذهنمان از سلامت روان خود محافظت می‌کردیم. اما متأسفانه در خلال این ماجرا، یکی از مستشاران زندان که اتفاقاً عرب هم بود، با هشدار به اداره زندان‌ها مبنی بر آنکه این کار «روحانی پروری» است، ما را از خواندن کتاب‌ها منع کرد. از آن پس کتاب‌هایی که برای ما می‌آوردند *ماجرای تن تن و میلو* یا کتاب‌هایی بود که عناوینشان توهین آمیز بود مانند کتاب *خری از شرق!*

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تعامل خویش با زندانیان را از طریق توسعه‌ی ابزارهای ارتباطی میان آن‌ها و خانواده‌های آنان از طریق اینترنت و خط تلفن بهبود بخشید. با عنایت به تجارب فوق‌الذکر در ادامه به برخی جنبه‌های منفی اشاره خواهیم کرد که مطلوب است در روابط کمیته و زندانیان پرهیز گردد:

1- ارسال نمایندگان غیر عرب به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و زبانی، با ایجاد محدودیت‌های روانشناختی، موجب نوعی ایجاد بی‌اعتمادی در بخشی از زندانیان نسبت به کمیته شده است.

2- در خصوص نماد کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، هرچند درخواست تغییر نماد به منظور اعتمادسازی میان مخاطبان خدمات بشردوستانه کمیته، غیرمنطقی به نظر می‌رسد اما توجه کردن کمیته به این موضوع و روشن‌گری راجع به منشاء نماد و ارائه توضیحات از تاریخچه نماد برای برطرف ساختن سوء تفاهات برخی از افراد به ویژه افرادی که متعلق به جوامع مسلمان هستند، می‌تواند در آگاه‌سازی حقیقت مؤثر باشد.

3- با توجه به رویکردهای محرمانه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، کمیته مشاهدات خویش از داخل زندان گوانتانامو را علنی نکرده است. در وهله‌ی نخست باید گفت بخش‌هایی از کمیته که موفق به ارائه خدمات به زندانیان شدند، این بهای سنگین را پرداخت کرده‌اند. علی‌ای حال بنده به عنوان یکی از زندانیان قدیمی به خود اجازه می‌دهم که پیشنهاد نمایم سکوت کمیته هرچند محدود اما به صورت مطلق نباشد زیرا مسائلی وجود دارد که باید صادقانه و آشکارا در رسانه‌ها مورد انتقاد قرار گیرد. از مثال‌های روشن این وضعیت می‌توان به امتناع از اعطای امتیازات مقرر در کنوانسیون ژنو به زندانیان گوانتانامو اشاره کرد. امتیازاتی نظیر حق مطالعه کردن و حق برخورداری از مراقبت‌های مناسب پزشکی. احساس متناقضی بود که ما فکر کنیم این ما هستیم که باید از نمایندگان محافظت کنیم و نه برعکس. سکوتشان موجب می‌شد در چشم زندانبانان ضعیف جلوه نمایند در حالی که ما خواستار اعطای احترامی خاص به آن‌ها به عنوان اشخاصی ویژه بودیم.

کمیته باید سازوکاری مبتنی بر همکاری اعتمادساز با رسانه‌های بین‌المللی برقرار نماید تا تمامی نقض‌های کنوانسیون ژنو که موجب خدشه دار شدن کرامت انسانی می‌شوند، مطرح گردند. اگرچه قطعاً باید از اقدام صلیب سرخ در ورود به گوانتانامو تمجید کرد اما در عصری که شخصیت‌های برجسته به صورت جدی امر به دموکراسی و حقوق بشر می‌نمایند، تداوم سکوت راجع به وجود گوانتانامو و آنچه درون دیوارهای آن رخ داده است، پذیرفتنی نیست.³

³ - یادداشت نویسنده: کمیته بین‌المللی صلیب سرخ حق محکومیت عمومی نقض حقوق بشردوستانه را در صورت تحقق شرایط ذیل برای خویش محفوظ می‌دارد: (1) نقض‌های انجام شده حاد بوده و تکرار شوند یا امکان تکرار آن‌ها وجود داشته باشد (2) نماینده‌های کمیته به وقوع نقض‌ها شهادت داده و یا وجود و گستردگی نقض‌ها بر اساس منابع واقعی و قابل اعتماد تأیید گردد (3) نمایندگی‌های محرمانه دوجانبه و عندالزوم گروه‌های بشردوستانه موفق به خاتمه دادن به نقض‌ها نشده باشند (4) چنین اعلانی به نفع اشخاص یا گروه‌های متأثر از تهدید باشد در این زمینه بنگرید: 'Action by the International Committee of the Red Cross in the event of violations of international humanitarian law or of other fundamental rules protecting persons in situations of violence', in International Review of the Red Cross, Vol. 87, No. 858, June 2005, p. 397.